

## دیدگاه های جریان چپ در مورد سیاست های کشاورزی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران

الهام نیری<sup>۱</sup>

### چکیده

در تاریخ ایران معاصر؛ یکی از مباحث اصلی مورد توجه جریان چپ؛ پرداختن به سیاست های کشاورزی است. جریان چپ برای اینکه پایگاه اجتماعی مناسبی را در میان توده ی مردم بدست آورد همواره در دوره ی پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی؛ مباحث ارضی را سرلوحه ی خود قرار می داد. به طوری که نشریات مختص به خود را انتشار دادند. از این رو برگ مهمی از تاریخ چپ در ایران؛ پرداختن این جریان به مباحث ارضی است. هدف پژوهش این است تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش مقایسه ای به بررسی دیدگاه های این جریان در مورد مسائل کشاورزی در دوره ی پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی بپردازد. سوال این است که: جریان چپ؛ سیاست های کشاورزی قبل و بعد از انقلاب اسلامی را چگونه ارزیابی می نمود؟ در پاسخ باید گفت که این جریان با برنامه ی اصلاحات ارضی رژیم پهلوی خوانش های متعددی را باعث شد. این که باید اصلاحات ارضی عادلانه باشد و رعیت را به حق خود برساند؛ برنامه ی رژیم پهلوی را نقد می نمود. این موضوع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛ مستمسکی حتی برای سهم خواهی خود قرار داد و گروه های متعددی از همین جریان؛ دیدگاه های متفاوتی را در مورد واگذاری زمین به کشاورزان ارائه دادند.

واژه های کلیدی: جریان، چپ، اصلاحات ارضی، پهلوی، انقلاب.

---

<sup>۱</sup>. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، ایمیل: nayeri76@yahoo.com .

## **left-handed views on agricultural policies Before and after the Islamic Revolution of Iran**

### **Abstract**

In the history of contemporary Iran One of the main topics of interest is left-handed addressing agricultural policies stream left for that's the right social base gained popularity among the masses always in the Pahlavi era and after the Islamic revolution argued for land issues So that publications for yourself have published hence, an important leaf of the history of left in Iran addressing this flow to land issues. The purpose of this research is to the descriptive-analytical approach and comparative method to check opinions this current on agricultural issues In Pahlavi era and after the Islamic revolution The question is: How did they assess Left-wing agricultural policy before and the post-Islamic revolution? In response, it should be said that that's the flow with the Pahlavi regime's land reform plan made several readings That the land reform should be fair and bring the peasant to his own right The Pahlavi regime's program was criticized this issue after the victory of the Islamic revolution mastmask even made his for your share and several groups of this thread different perspectives on the case depositing the land To the farmers provided.

**Keywords:**Current, Left, Land reform, Pahlavi, revolution .

## مقدمه

طیف چپ با بهره گرفتن از تئوری‌های کمونیسم و مارکسیسم دیدگاه خود را نسبت به مسائل کشاورزی و زمین ارائه می‌کرد. شاخه‌هایی از این طیف که بیشترین نظرات را داشتند: حزب توده و چریک‌های فدایی خلق در دوره قبل از انقلاب اسلامی - به طوری که حزب توده خود را تنها مرجعی می‌دانست که توانسته «توده»<sup>۱</sup> را متشکل کند - و در بعد از انقلاب علاوه بر این گروه‌ها، شاخه‌های دیگر از جمله حزب کارگران، حزب رنجبران، مجاهدین خلق نیز نظرات متفاوتی را ارائه کردند. متناسب با موضوع، ادبیات به کارگرفته شده در پژوهش نیز برگرفته از همین جریان است. چرا که نیروهای چپ با بهره‌گیری از تئوری مارکس؛ واژه‌هایی از جمله: بردگی، فئودال، زارع، خلق، جنبش دهقانی و... را به کار می‌بردند. در ابتدا بیشترین برداشتی که از دیدگاه چپ نسبت به این موضوع می‌توان داشت؛ این است که انتقادات آنان نسبت به اصلاحات ارضی دوره ی پهلوی دوم مورد بررسی قرار گیرد.

## دیدگاه چپ نسبت به سیاست‌های کشاورزی قبل از انقلاب اسلامی

می‌توان آغاز تفکرات چپ در مورد مسائل کشاورزی و زمین را به انقلاب مشروطه بازگرداند. چون به اعتقاد این طیف؛ جنبش مشروطه؛ توده‌های خرده‌بوژوازی شهر را بیش از پیش در مقابل مالکان قرار داد و به تدریج به میان دهقانان راه یافت. «دهقانان اینجا و آنجا در برابر مالکان ایستادند و یا گاه به مجاهدان پیوستند» (مومنی، بی تا: ۲۵).

با روی کار آمدن محمدرضا شاه و سیاست‌های کشاورزی او طیف‌های مختلف از جمله جریان چپ واکنش‌هایی را نسبت به این سیاست نشان دادند. این واکنش‌ها؛ به دوران قبل از قانون اصلاحات ارضی سال ۴۲ باز می‌گردد و آن؛ زمانی است که در ۱۲ خرداد ۱۳۲۱ ه.ش قانون راجع به دعوی اشخاص نسبت املاک واگذاری توسط دولت فروغی به مجلس شورای ملی تقدیم و به تصویب رسید. آنان علت طرح این قانون را «فشار مبارزات مردمی» - از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش - می‌دانستند. این قانون؛ به اشخاصی که املاکشان چه به صورت ملکی و چه به صورت وقفی توسط رضا شاه غصب شده بود حق می‌داد که ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی و تشکیل هیئت‌های رسیدگی؛ دعوی خود را طرح و در دفتر به ثبت برسانند (مبارزین راه آرمان کارگر، ۱۳۵۷: ۳۱).

بیشتر این انتقادات از سوی حزب توده و بعضاً چریک‌های فدایی خلق صورت می‌گرفت. به طوری که حزب توده خود را اولین ارگانی می‌دانست که در زمینه مسئله زمین پیش قدم شده است. بنا بر اعتقاد این حزب، تنها نیرویی که کشاورزان را توانست در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش

<sup>۱</sup>. مردم.

تحت شعار «مصادره املاک ملاکان و تقسیم زمین میان کسانی که روی آن کار می کنند» متشکل کند حزب توده ایران بوده؛ ولی حزب توجه جدی به این مسئله ننمود و به تعبیر حزب «جنبش دهقانی» را به حال خود واگذاشت. حتی به دلیل این جنبش زد و خوردهایی در برخی مناطق مثل ملایر و آذربایجان بین مالکان و زارعان درگرفت و مالکان از ده بیرون شدند.

میزان زیادی از ثنوری جریان چپ نسبت به سیاست های کشاورزی را می توان از انتقاداتی که از اصلاحات ارضی رژیم پهلوی داشتند؛ دریافت؛ که آن انتقادات عبارت اند از:

۱- هدف شاه از تقسیم اراضی خود و فروختن آن به زارعان در آن سال ها ( دهه ی ۱۳۴۰ه.ش) جلوگیری از مبارزات دیرینه ی مردم ایران بود که ادامه ی رژیم پهلوی را محال می ساخت.

۲- مبارزات ضدامپریالیستی ملت ایران بود که به صورت مبارزه ملی کردن نفت جنوب شکل گرفت و باعث ترساندن رژیم حاکم شد.

۳- تبدیل املاک خود به پول نقد؛ که در صورت دشواری شرایط؛ خارج کردن پول ها از کشور امکان پذیر باشد (مبارزین راه آرمان کارگر، ۱۳۵۷: ۱۵).

۴- در سال های ۱۳۴۰ه.ش عوامل عینی از جمله رشد جامعه، بیداری کشاورزان، مبارزه دیرینه مردم، ادامه سیاست کشاورزی سلسله پهلوی را محال ساخت و محمد رضاشاه را وادار نمود که به مقتضای زمان و هم داستان با روش های نواستعماری در ثلث آخر سلطنتش سیاستی دیگر در پیش گیرد تا نظام سلطنتی را از سرنگونی برهاند. ضمن اینکه اصلاحات ارضی کوشش نمود تا پایه های ارباب - رعیتی را در روستاها از بین ببرد؛ مسئله ارضی را حل نکرد.

۵- مناسبات سرمایه داری در روستاها وارد شد و طعمه ی مناسبی برای بورژوازی کوچک و بزرگ ایران بوجود آمد.

۶- سازمان تولید را بر هم زد.

۷- به علت سرمایه داری ملی؛ مسئله ی ارضی حل نشد و دولت دکتر مصدق مرحله ای از این سرمایه داری بود. اما کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ فعالیت های توده های کشاورز را جهت دستیابی به حقوق خود از بین برد و طبقه ی حاکم به کمک امریکا؛ جنبش های خلق های ایران و به همراه آن جنبش دهقانی را سرکوب کرد.

۸- از طریق اصلاحات ارضی، امریکا بر اقتصاد کشور تسلط یافت و باعث استراتژی انباشت سرمایه و رشد کالاهای مصرفی شد. به تعبیر حزب توده «این سرمایه داری در کشور ما دارای عواقب سوء اجتماعی اقتصادی نظیر ادامه فقر و شرایط بد زندگی و مهاجرت روستایی و بحران همه جانبه اقتصاد کشاورزی بود.» و این مسئله که بورژوازی وابسته توانست در کنار ملاکان و مشترکاً در هیئت حاکمه به غارت خلق بپردازد به خاطر ترس از جنبش های توده ای بود. بورژوازی وابسته دنبال فرصتی می گشت تا بحران جامعه را فرا گیرد تا طبقه کارگر و توده های فاقد رهبری باشند و امپریالیسم به ضرورت از بین بردن ملاکان پی برده و از آنان یاری طلبد تا در تحت چنین

شرایطی بتواند «مسئله ارضی» را هر چه مسالمت آمیز تر حل نمایند. این فرصت در فاصله بحران اقتصادی سالهای ۱۳۴۲-۱۳۳۹.ش بهترین موقعیت را پدید آورد.

۹- باعث اثرات ضد دموکراتیک و ضد دهقانی شد.

۱۰- برنامه‌ی اصلاحات ارضی؛ همه‌ی روستاییان ایران را زمیندار نکرد، بخش پهناوری از مرغوب‌ترین اراضی در دست زمین‌داران و صاحبان بزرگ مالکیت‌های سرمایه‌داری متمرکز شد و صدها هزار کشاورز آواره به شهرها مهاجرت کردند.

۱۱- اصلاحات ارضی امریکایی رابطه‌ی مزدوری توأم با سهم‌بری را در بین دهقانان رایج کرد. دهقانان نیز در نظام ارباب‌رعیتی رها نشده؛ بدست سرمایه‌داران ارضی افتادند و اراضی کوچک مزروعی خود را از دست دادند و از سهم‌بر به کارگر مزدور تبدیل شدند (خسروی، ۱۳۶۰: ۲۲).

۱۲- به لحاظ اقتصادی، اصلاحات ارضی یک شکست محسوب شد؛ چون به نابودی کشاورزی ایران انجامید؛ اما از حیث سیاسی و سلطه‌گری شاه یک پیروزی به حساب آمد.

۱۳- اصلاحات ارضی؛ نابسامانی زندگی سنتی را ایجاد نمود. زیرا باعث توسعه بازار مصرفی در روستاها و افزایش تعداد خرده مالکان شد.

۱۴- از دید چریک‌های فدایی خلق؛ اصلاحات ارضی رفومی بوده جهت جلوگیری از طغیان توده‌ها و قصد از انجام آن؛ کاهش انگیزه‌ی انقلابی در میان توده‌ها و از نظر سیاسی خلع سلاح دهقانان بود. هم‌اینکه هدف امپریالیسم از بین بردن نظام کهنه فئودالی است. «به اعتقاد ما، جامعه‌ی ایران قبل از اصلاحات ارضی نوعی جامعه‌ی نیمه مستعمره، نیمه فئودالی بود. برای گسترش منافع نو استعماری در ایران و برای اینکه ایران بتواند وظایف جدید را که در این از پروسه‌ی رشد سیستم جهانی امپریالیسم به او واگذار می‌شد به عهده گیرد...چه چیز بیشتر از اصلاحات ارضی قادر بود چنین توده‌ی عظیمی از دهقانان ورشکسته و خوش‌نشینان بی‌زمین را به پشت درهای کارخانه بکشاند؟» (چریک ختی فدایی خلق، بی تا: ۱۲).

### دیدگاه چپ نسبت به سیاست‌های کشاورزی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

جریان چپ پیروزی انقلاب اسلامی را پلی برای تغییر ساختار فرسوده اقتصادی و اجتماعی روستاها تلقی می‌کرد و از این رویداد بزرگ به عنوان یک انقلاب دموکراتیک تعبیر نمود و آن را مرحله‌ای قلمداد کرد که ۱- بتواند جهشی در روستاهای کشور جهت مبارزه‌ی انقلابی ایجاد کند. ۲- با انقلاب ایران به مسئله‌ی ارضی اهمیت خاصی بدهد؛ چون به اعتقاد آنان دهقانان هر روز باید با مبارزه‌ی انقلابی بیشتر آشنا شوند.

اعلام داشتند در شرایط کنونی سیاست عملی کمونیست‌ها در رابطه با مسئله‌ی دهقانی می‌تواند عبارت باشد از تکیه کردن بر دهقانان فقیر (کسانی که به کار توأم با استثمار و قرض گرفتن امرار

معاش می کردند). و خوش نشینان، اتحاد با اقشار میانه دهقانی و مبارزه علیه ملاکان و زمینداران بهره بردارانی که وسعت اراضی مزورعی آنان بیشتر از ۵۰ هکتار بوده (خسروی، ۱۳۵۸: ۱۹). معتقد بودند؛ در این مرحله از انقلاب ایران راه حل بنیادی و استراتژیک مسئله ی ارضی می تواند عبارت باشد از:

۱- تشکیل شوراهای دموکراتیک به مثابه ی ارگان سیاسی دهقانان؛ این شوراها با اتکا به دهقانان فقیر و همکاری دهقانان میانه حال؛ برای نظارت به بهبود اوضاع مادی و معنوی زحمتکشانشان روستا، اداره روستاها و شرکت در حیات سیاسی کشور به وجود می آمد که طبق آن مالکان سابق، زمینداران بزرگ از حق هر گونه رای و اعمال نفوذ در چنین شوراهایی محروم می شدند (مبارزین راه آرمان کارگر، ۱۳۵۷: ۳۴).

۲- اجرای اصلاحات ارضی جدید، به ویژه با تشکیل واحدهای تولیدی مشاع خواهد توانست به پاره ای از دشواری های دهقانان کم زمین پاسخ مناسبی بدهد که این امر به حذف مالکیت بزرگ و رهایی دهقانان کم زمین کمک خواهد کرد (خسروی، ۱۳۶۰: ۱۵). اصلاحات ارضی باید در مناطقی انجام گیرد که در آن نظام سهم بری رایج است. چون در بعضی مناطق سهم بردن از محصول به یک ششم می رسید. در پاره ای از مناطق در زمین های بزرگ زراعی که شیوه ی روزمزدی رایج است؛ با درنظر گرفتن نوع کشت و مسائل اجتماعی و ملی کردن زمین ها و تبدیل فوری آن به تعاونی های تولید مورد توجه قرار گیرد. هم اینکه یکپارچه کردن قطعات مختلف زمین های زراعی دهقانان می تواند اساس این اصلاحات ارضی جدید باشد.

۳- نیز بازستاندن زمین های زراعی دهقانان که مورد غصب شرکت های سهامی زراعی قرار گرفته بود ضرورت داشت. لذا لازم می نمود تا تقسیم زمین و تعیین حداقل زمین برای دهقانان در مناطق مختلف کشور با درنظر گرفتن نوع کشت و مسئله ی آب صورت گیرد و باید در تقسیم زمین نوع خاک و زراعت های دیمی و آبی در نظر گرفته شود (خسروی، ۱۳۵۸: ۲۵).

به اعتقاد چپ؛ تضاد عمده جوامع سرمایه داری؛ تضاد خلق و امپریالیسم است که راه از بین بردن این تضاد؛ مبارزه است. «مبارزه باید تا جایی ادامه یابد که به ایجاد نظام کمونیستی بیانجامد» (اتحادیه کمونیست های ایران، ۱۳۵۸: ۱۳). لذا با پیروزی انقلاب اسلامی، مرحله انقلاب را در رسیدن به اهداف خود نزدیک تر دیده و آن را در قطع نفوذ امپریالیسم موثر دانستند؛ اما مرحله انقلاب را تمام شده تلقی ننموده بلکه ادامه آن را از طریق مبارزه امکان پذیر می دانستند که مصادره سرمایه سرمایه داران نیز می توانست مرحله ای از این مبارزه باشد (انجمن جوانان موحد، بی تا: ۶).

در این راه اراضی بزرگ مالکان می توانست بخشی از سرمایه ی سرمایه داران تلقی شود. مصادره آن ها به عنوان مهم ترین عمل در قطع نفوذ امپریالیسم قلمداد شد. گروه های چپ در این زمینه معتقد به اصلاحات ارضی بنیادی بوده و اصلاحات ارضی را در سمت گیری سوسیالیستی جامعه

توسط یک حکومت جمهوری ملی و دموکراتیک می دیدند. به طوری که «اگرزمین را از فرد بگیرند از انقلاب روی گردان می شود» (میرطاووسی، ۱۳۶۱: ۲۴۷).

از سوی دیگر با انتقاد از «سیاست ضد ملی رژیم پهلوی» که ایران را به یک کشور تک محصولی تبدیل ساخت، راه رهایی از این وابستگی را توجه نمودن به کشاورزان قرار داد زیرا آنان در صف مبارزات ضدامپریالیستی؛ می توانستند ضامن استقلال اقتصادی کشور باشند (مردم ایران، ۱۳۵۹: ۵).

عمده تفکر آنان در زمینه برنامه ی اصلاحات ارضی بنیادی عبارت بود از؛ تکیه کردن به کشاورزان فقیر و خوش نشینان، اتحاد با اقشار میانه کشاورزان و مبارزه علیه ملاکان و زمینداران مصادره زمین های متعلق به زمینداران بزرگ، تقسیم بلاعوض املاک خالصه ( پول یا قسطی بابت زمین هایی که می گیرند نباید بپردازند) و املاک اختصاصی شاه بین کلیه کشاورزان یا حذف مالکیت بزرگ خصوصی. این دیدگاه به کارگیری شیوه مزارعه را معیار روابط ماقبل سرمایه داری دانسته (کیهان، ۱۳۵۸: ۹ و ۱۰) که ادامه همان شیوه ی ارباب رعیتی است. ملی کردن موسسات بزرگ کشاورزی، دایر کردن زمین های بایر و موات و هرگونه زمین قابل کشت، تضمین مالکیت کشاورزان، گسترش شرکت های تعاونی به سود کشاورزان و تشکیل «شوراهای دهقانی» را سرلوحه خود قرار دادند.

درست است که نظرات گروه های چپ در باره ی مسئله ارضی دارای یک هسته ی مشترک بود اما نقاط افتراقی هم در بین آن ها مشاهده می شد که ذکر آن ها لازم به نظر می رسد. این گروه ها در اوایل انقلاب با عناوین مختلف حضور داشتند: از جمله حزب توده، حزب رنجبران ایران، حزب کارگر، فداییان خلق و مجاهدین خلق.

الف- حزب توده: حزب توده معتقد بود حل مسئله ارضی؛ وظیفه اصلی بعد از انقلاب و در واقع تثبیت انقلاب است. در این راه مبارزه قاطع علیه بهره کشی ستم کشاورزان و اصل زمین مال کسی است که روی آن کار می کند.

می توان گفت حزب توده در اجرای برنامه اصلاحات ارضی دو هدف را دنبال می کرد یکی توجه به توسعه اقتصادی و دیگری وجه ایدئولوژیکی تصرف زمین. تصرف زمین را یک عمل انقلابی و اسلامی و قانونی قلمداد نمودند. به نقل از حزب توده؛ به عقیده بسیاری از مفسرین مذهبی و مدافعان اسلام راستین تصرف زمین عملی است اسلامی، عملی است دور از هرج و مرج؛ که کشاورزان این عمل را با اتکا به حمایت امام خمینی(ره) آغاز نموده و آن را یک عمل انقلابی - که به زمین های غصبی دست می یافتند- قلمداد می کردند.

از نظر آنان، برای دستیابی به اصلاحات ارضی؛ باید زمین های بزرگ و اراضی غیر مشمول اصلاحات ارضی گذشته بین کشاورزان بی زمین و کم زمین و متناسب با شرایط هر منطقه و بر مبنای بهره برداری کشاورزی خانوادگی و تامین شرایط زندگی مناسب را برای هر خانواده تقسیم گردد؛ در

مناطق با مزایای اقتصادی یا دشواری های اجتماعی، سیاسی، بهره برداری از زمینهای بزرگ به صورت تعاونی به کشاورزانی واگذار شود که به کار اراضی مزبور اشتغال دارند. به اعتقاد حزب توده زمین های دارای تاسیسات را نمی توان تکه تکه کرد باید آن را به مالکیت مشاع<sup>۱</sup> کشاورزان درآورد و با نظام شورایی اداره کرد (سازمان جوانان و دانشجویان دموکراتیک ایران، بی تا: ۹۹-۱۲۸).

ب- حزب رنجبران ایران: این حزب از دیگر احزاب چپ با گرایش چپ مائوئیستی بود که با هدف طرفداری از زحمتکشان طی ۸ سال مبارزه سیاسی خود را ادامه داد. این حزب از سال ۱۳۵۰ تا اواخر ۱۳۵۵ دچار مشی چریکی بود. اما تجربه آنان در زندان و به بن بست رسیدن مشی چریکی در سالهای ۵۵-۵۶، حزب را به کار تشکیلاتی کشاند (روزنامه رنجبر، ۱۳۵۸: ۴). این حزب در دوران ریاست جمهوری بنی صدر، خود را به نهاد ریاست جمهوری نزدیک ساخت تا بتواند جا پایی برای خود در حکومت جستجو کند. به طوری که حزب برای برون رفت از برخی مشکلات از عنوان پوششی در همکاری با دفتر بنی صدر استفاده کرد و تشکیلاتی به نام «عدالت» ایجاد نمود. چنانکه بار اصلی فعالیت دفتر هماهنگی با رئیس جمهور بر دوش همین جریان عدالت بود (حاجیکلاهی، ۱۳۸۷: ۳۷).

تفاوت های دیدگاه حزب رنجبر و حزب توده در زمینه اصلاحات ارضی: ۱- شعار حزب رنجبر، استقلال آزادی و عدالت اجتماعی بود. از بین این سه مقوله به بحث استقلال تاکید داشت. استقلال یعنی این که انقلاب ایران مستقل از قدرت های امریکا و شوروی پیروز شده و برای ادامه ی آن باید همچنان مستقل از آن ها باشد. حتی ارتباط با شوروی را نفی نمود<sup>۲</sup> (روزنامه رنجبر، ۱۳۵۸: ۲). اما حزب توده این عقیده را نداشت؛ چون که حزب توده فقط ارتباط با امریکا را نفی می نمود نه شوروی را. حزب رنجبران شرط دستیابی به استقلال کامل را اتحاد بزرگ سه جریان اجتماعی یعنی اسلام مبارز، ناسیونالیسم مترقی و سوسیالیسم انقلابی می دانست<sup>۳</sup> (روزنامه رنجبر، ۱۳۵۸: ۷) و این ائتلاف و «اعتماد اسلام مبارز» را مهم ترین رکن در مبارزه ضد امپریالیستی تلقی می نمود و معتقد بود مهم ترین رکن؛ «مبارزه با امپریالیسم است و اختلافات ایدئولوژیک را بعداً می توان حل کرد».

۲- از دیدگاه رنجبر نیز مهم ترین راه مبارزه با امپریالیسم؛ واگذاری زمین به زارعان است که در این راه اول باید انقلاب دموکراتیک رخ دهد بعد تقابل کشاورز و مالک به وجود آید. در صورتی که حزب توده مهم ترین راه برای مبارزه را؛ تقابل کشاورز و مالک می داند؛ بعد انقلاب دموکراتیک.

<sup>۱</sup> - ملک یا خانه ای که مشترک باشد و سهم جداگانه هر یک معین نشده باشد.

<sup>۲</sup> - این حزب درانتقاد از حزب توده، در نشریه رنجبر آورده است که: دارو دسته ی کیانوری دهها روزنامه و نشریه به سود ابرقدرت سوسیال شوروی به راه انداخته تا افکار عمومی را برای تسلط شوروی در کشور تدارک ببینند.

<sup>۳</sup> - این تئوری در کنگره ای که سازمان انقلابی رنجبر در مرداد ماه ۵۸ در رشت برگزار کرد؛ مشخص شد.



۳- به جز فداییان خلق و حزب کارگران بقیه گروه‌های چپ سیاستشان در مصادره‌ی اراضی مالکان به شیوه‌ی مسلحانه نبوده بلکه از طریق مسالمت‌آمیز بر مبنای تئوری سیاسی و ایدئولوژیک وارد عمل می‌شدند (سازمان جوانان دموکراتیک ایران، بی تا: ۱۵۰).

ج- حزب کارگر: از دیگر احزاب دارای تفکر چپ، حزب کارگر بود. این حزب از دو طریق با استراتژی منفی به مسئله ارضی در ایران برخورد کرد. ۱- مصادره تمامی املاک بزرگ به هر نحوی که می‌خواهد باشد. این تئوری نشان می‌داد که مصادره اراضی باید انجام شود هر چند به صورت مسلحانه. ۲- سپردن اصلاحات ارضی بدست خود کشاورزان (نه دولت) از طریق برپا شدن «انجمن‌های دهقانان» (اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران، همان: ۱۸).

حزب کارگر لازمه‌ی فعالیت خود را در بین روستاییان، تشکیل «حزب کارگر» می‌دانست که در این زمان فقط در حد یک تئوری باقی ماند و عملاً ایجاد نشده بود. حزب اذعان داشت «تا زمانی که تشکیلات کارگری ایجاد نشده کمونیست‌ها نمی‌توانند تربیت کادرهای دهقانی را در دستور روز قرار دهند» (مبارزین راه آرمان کارگر، همان: ۶۷ و ۶۹).

د- فداییان خلق: فداییان خلق خود را طرفدار طبقه کارگر، کشاورز و عموم زحمتکش می‌دانست. آنان در منطقه گنبد «ستاد خلق ترکمن» را تشکیل دادند (اطلاعات، ۱۳۵۷: ۱۰). با این دید که انقلاب در انحصار هیچ گروه خاصی نیست. سعی داشتند سهمی از انقلاب برده و در پی رسیدن به اهداف خود باشند. این گروه نیز همانند گروه‌های چپ دیگر تفکر ضد امپریالیستی داشتند. در این مسیر از راه حل نظامی و مسلحانه استفاده نمودند چرا که «خلع سلاح را خیانت به انقلاب» می‌دانستند.

این گروه همانند حزب رنجبران ایران، حتی وابستگی خود را به کشورهای سوسیالیستی رد کردند. اما در واگذاری زمین به زارعان معتقد به مصادره از سوی سازمان خود بودند نه از سوی دولت و حتی کشاورزان. از این جهت که برای مصادره‌ی اراضی روش مسلحانه را دنبال می‌کردند نقطه مشترکی با حزب کارگر داشتند. چرا که معتقد بودند «مادام که ریشه‌های امپریالیسم در ایران از بین نرفته است انقلابیون را نباید خلع سلاح کرد» (خواندنیها، سال ۲۹: ۵).

همچنین با غور در آثار عناصر چپ؛ چریک‌های فدایی خلق تفکرات سوسیالیستی پررنگ‌تری نسبت به هم‌تایان خود داشتند، یک راه شناخت آن نوع به کارگیری اصطلاحاتی پرحرارتی است که به کار می‌بردند. از جمله اصطلاح فئودال، تضادهای روابط، طغیان توده‌ها، جامعه‌ی نیمه مستعمره، خواست مظلومانه‌ی خلق.

و- مجاهدین خلق: مجاهدین خلق نیز از جمله سازمان‌های چپ بودند که در اندیشه اصلاحات ارضی به تندروی فداییان خلق نبودند، و نظرات واضحی در این باره نداشتند؛ فقط با پاره‌ای تفسیر به رای؛ آیات و روایات، اندیشه‌ی خود را اذعان می‌داشتند. سیاست آنان در برخورد با مسئله زمین این بود

که با استفاده از ایدئولوژی و افشاگری برنامه های دولت را زیر سوال برده و با فشار بتوانند تاثیر گذار باشند. (سخنرانی مسعود رجوی، بی تا: ۲۴) به لحاظ ایدئولوژیکی؛ مجاهدین خلق مسئله زمین را این طور تفسیر می کردند: ۱- زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند ولو اینکه غصبی باشد ۲- کلیه مقررات ضد کارگری باید لغو گردد. ۳- حرکت جامعه سمت جامعه بی طبقه توحیدی باید یکی از اساسی ترین مواد قانون اساسی باشد به طوری که برای به تحقق رسیدن آن تقسیم زمین زمینداران بزرگ بین کشاورزان امری لازم است. از دیگر دیدگاه های آنان در مجلس خبرگان بود؛ که حقوق مالکیت را محدود دانسته و تصرف را در چارچوب «لَیسَ لِلانسانِ اِلا ما سَعی» تلقی نمودند. (اطلاعات، ۱۳۵۸: ۱۱).

به طور کل دیدگاهی که چپ از اصلاحات ارضی ارائه می دهد این است که در این راه باید «انقلاب ارضی» را پیاده کرد و آن عبارت است از: «از بین بردن مناسبات کهن زمینداری در روستاها و نابودی موسسات و ادارات دولتی که حافظ منافع بزرگ مالکان بوده است و دموکراتیزه کردن موسسات محلی و به خدمت درآوردن آن ها به سود دهقانان و اتحاد کارگران و دهقانان در ارتباط با انقلاب سیاسی، زیرا بدون انقلاب سیاسی انقلاب ارضی مفهومی ندارد. انقلاب ارضی نیز در روستاها تدریجی انجام می گیرد» (خسروی، ۱۳۶۱: ص ۶).

از آن جا که از ویژگی های مهم تفکر چپ در زمینه اصلاحات ارضی؛ یکپارچه کردن زمین ها بود مجله خواندنیها درباره ی آن نوشت: «آن که می گوید در حکومت اسلامی ما اراضی خرده مالکی هر یک از روستاها را از نظر اقتصادی بصورت یک واحد اقتصادی در خواهیم آورد، خدا کند منظورش ایجاد کاخوزهایی با الگوی کشورهای کمونیست نباشد. در لابه لای نوشته ها و گفته های اینان گه گاه به عنوان جمهوری اسلامی بر می خوریم ولی وقتی پوسته ظاهری حرف های آن ها را پس می زنیم در زیر آن پوسته به وضوح عقاید سوسیالیستی مارکس و دنباله رؤیاهایش را ملاحظه می کنیم. نکند که اصلاحات جمهوری اسلامی و مارکسیست اسلامی هر دو از یک فرهنگستان بیرون آمده باشد؟» (گوهری، ۱۳۵۷: ۳۳).

تاثیر دیدگاه های چپ در فضای انقلابی آن روز، آنچنان بود که حتی با تدوین پیش نویس قانون اساسی نظراتی با (باقرمومنی و خسروی) چنین رویکردی بروز کرد؛ این نظرات با ایراد از پیش نویس قانون اساسی از این دید که برگرفته از قانون اساسی فرانسه است و رویکرد سرمایه داری دارد؛ محل اشکال دانسته شد و نیز از این جهت که در پیش نویس «سیاست ارضی مملکت» مشخص نشده؛ با این تفسیر که «معلوم نیست که این پیش نویس گرایشات سرمایه داری بزرگ دارد یا خرده مالکی و علاوه بر آن، شرکت های تعاونی و حقوق دهقانان باید مورد توجه قرار گیرد» (اطلاعات، ۱۳۵۸: ۵) آن را مبهم و نامشخص می دیدند. ارگان مرکزی حزب رنجبر با انتقاد از دولت موقت در این زمینه استدلال کرد «اکنون (دولت موقت) پس از چند ماه هنوز سیاست درستی نسبت به مسایل ارضی دهقانی از جانب دولت به میان گذاشته نشده است و اگر هم اینجا و آنجا صحبتی از رسیدگی

به حال دهقانان فقیر و اساساً مبارزه با فئودالیسم و... بوده؛ عمدتاً مواضع و نظرات شخصی برخی از رهبران انقلاب و مسئولین دولتی بوده است نه یک سیاست مدون عملی. بدون حل اصولی این گونه مناسبات جابرانه در روستاها نه مبارزه درستی با امپریالیسم ممکن می‌گردد و نه قدمی در راه خودکفایی ایران از لحاظ تولیدات کشاورزی برداشته می‌شود.» (رنجبر، ۱۳۵۸: ۳)



## نتیجه گیری

هر چند دیدگاه چپ در زمینه ی مسئله ی ارضی حرفی برای گفتن داشت اما این دیدگاه در دوران قبل از انقلاب مورد اقبال دولت حاکم قرار نگرفت اما در دوران بعد از انقلاب به خصوص در بحبوحه ی وقایع انقلابی تا سال ۶۰ دیدگاه غالب غیردولتی مسائل ارضی ایران بود؛ هر چند مورد اقبال اکثر سیاستمداران دولتی قرار نگرفت. به نظر می رسد نیروهای چپ دوره ی پهلوی؛ سیاست جامع و منسجمی نسبت به مسائل کشاورزی نداشتند و نظرات آنان در حد انتقادات از اصلاحات ارضی شاه بوده اما با پیروزی انقلاب نظرات آنان تکامل بیشتری یافته و دارای یک ایدئولوژی خاص است. با پیروزی انقلاب اسلامی؛ دیدگاه چپ در مورد اصلاحات ارضی؛ «انقلاب ارضی» بود چون در این انقلاب مصادره ی زمین های کشاورزی صورت می گرفت؛ در حالی که در دوره ی پهلوی از آن به «جنبش دهقانی» یاد می شد؛ که بر حسب این تعریف، زمین های کشاورزی بازخرید می گشت. اما با تغییر اوضاع سیاسی و بهره گیری از فرصت ها خواهان انقلاب ارضی بودند؛ چون پیروزی در این انقلاب را؛ پیروزی در اردوگاه سوسیالیسم می دانستند. که این نشان از تغییر موضع این حزب است. چرا که در بازخرید زمین؛ به مالک مبلغی داده می شود ولی در مصادره این عمل انجام نمی گیرد.

## منابع

- احمدی حاجیکلایی، حمید، (۱۳۸۷)، جریان شناسی چپ در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول.
- ارانی، تقی (۱۳۵۸)، حزب توده ایران، سال اول، دوره ی چهارم، شماره ۴.
- انجمن جوانان موحد، مبارزه ی ضد امپریالیستی، چند گفتار از سری آموزش های پیام خلق، بی جا، بی نا، بی تا، بی چا.
- چریک های فدایی خلق، سری تحقیقات روستایی، درباره ی اصلاحات ارضی و نتایج مستقیم آن، بی تا، بی جا، بی نا.
- خسروی، خسرو، (۱۳۵۸)، مسئله ی دهقانی و مسئله ی ارضی در ایران، تهران: پیوند، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۰)، مسئله ی ارضی و دهقانان تهیدست در ایران، تهران: نشر بیداری.
- سازمان جوانان و دانشجویان دموکراتیک ایران، درباره ی مسئله ارضی، بی جا، بی تا، بی نا.
- سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی، انجمن دانش آموزان مسلمان دبیرستان های نوربخش و ابوریحان رشت، بی نا، بی تا، بی چا.

- گوهری، علی، (۵۷/۱۱/۲۸)، «فرصت طلایی برای کمونیست‌ها»، مجله خواندنیها، سال ۲۹، ش ۲۳.
- مبارزین راه آرمان کارگر، (بهمن ۵۷)، تحلیلی از شرایط جامعه روستایی در ایران، بی نا، بی جا.
- مومنی، باقر، بیژن پارسا، سیمای روستای ایران، پیوند، بی جا، بی نا.
- میرطاووسی، شجاع الدین، (۱۳۶۱)، یادواره شهیدای انقلاب اسلامی: شهید محمدعلی رجایی، تهران: نهضت زنان مسلمان، بی جا.
- نشریه اتحادیه کمونیست‌های ایران، (۱۳۵۸) بحث در مسئله ی ارضی، بی نا.
- نشریه مردم ایران، (۱۲/خرداد/۵۹)، ش ۱۹.

#### روزنامه‌ها

- اطلاعات، (۲۷/آذر/۵۸)، ش ۱۶۰۲۷.
- روزنامه رنجبر، سال اول (۵۸)، شماره ۳۶.
- روزنامه کیهان، (۲۷/اسفند/۵۸)، ش ۱۰۹۵۶.
- روزنامه اطلاعات، (۱۸/فروردین/۵۷)، ش ۱۰۹۶۶.
- روزنامه صدای مردم ایران، (۴/بهمن/۵۸) ش ۴۵.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی